

آخرین نطق سالوادور آلنده

در رادیو ماگالانس ساعت ۹:۰۳

دم و طندان یقیناً این آخرین باری است که من می توانم با شما سخن بگویم. آنتن های فرستنده ی رادیو پورتالس و رادیو کورپوراسیونس بمباران شده اند. در واژه های من اثری از تلخی نیست، تنها متأسفم. باشد تا کلمات من وجدان آنان را که سوگند خود را زیر پا گذاشتند مجازات کند. سربازان شیلی، آمیرال مرینو که خود را فرمانده می خواند، آقای مندوزا ژنرال بزدلی که تا دیروز به دولت تعهد وفاداری داده بود دم چون خذف خود، نام فرمانده را بر خود گذاشته است. در این شرایط تنها می خواهم به کارگران بگویم: من تسلیم نمی شوم. من در شرایط سخت تاریخی قرار گرفته ام، من آماده ام بهای صداقتم به مردم را به بهای جانم پاس دارم و به شما قول می دهم که دانه ای که با اراده ناب دزاران شیلیایی کاشته شده است هیچ گاه خفه نمی شود. ارتش قدرت را در دست دارد، آنان می توانند مردم را به بردگی بکشند، اما نمی توانند روند رشد اجتماعی را نه با خشونت و نه با جنایت مانع شوند. تاریخ از آن ماست. تاریخ را مردم می سازند. کارگران سرزمین مادری من / سپاس، برای اعتماد و یک دلی با مردمی که تمام تلاش خود را کرد تا زبان میل بزرگ رسیدن به عدالت باشد، مردمی که قول داده بود به قانون و مصوبه های آن احترام بگذارد و به عهد خود وفا کرد. در این لحظه ی سرنوشت ساز، زمانی که من برای آخرین بار امکان سخن گفتن با شما را دارم، از شما می خواهم که از تجربه های تان پند بگیرید.

سرمایه دای خارجی، امپریالیسم با دم یاری و تأیید ژنرال اشنایدر و میجر آریا، که در دو به لطف مبارزات اجتماعی ی مردم امروز حاشیه نشین شده اند و امیدوارند تا به کمک دلالتان و واسطه دای دوباره قدرت را به دست آورند تا از املاک و منافع خود دفاع کنند/ فضایی را ایجاد کرده اند تا نیرو دای مسلح سنت شکنی کنند. روی سختم با شماست، به ویژه آن زن بی توقع کشور ما، زن کشاورزی که به ما اعتماد کرد، زن کارگری که سخت تر از پیش کار کرد، مادرانی که می دانستند ما برای به زیستی ی کودکان کار کردیم. روی سختم با آن وطن پرستان آزاده ی مزدبگیر این کشور است، آنان که تن به اعتصابی ندادند که به وسیله اتحادیه پر نفوذ صاحبان سرمایه / این سندیکای ی جامعه طبقاتی که حافظ منافع خود در جامعه طبقاتی هستند/ سازمان دهی شده بود. روی سختم با جوانی است که آواز خواند و شادی و توان مبارزه اش را با ما قسمت کرد. روی سختم با آن مردش یلیایی/ با کارگر/کشاورز / روشنفکر/ آدان که توسط فاشیسمی که ساعت دست با ترور و مین گذاری ی پل دای، راه آدن دای و تخریب لوله دای نفت و گاز در کشور ما حضور یافته است، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. تاریخ درباره آدان که لب فرو بستند قضاوت خواهد کرد.

یقیناً رادیو ماگالانس خاموش خواهد شد و صدای ی حنجره ام به شما نخواهد رسید.

اما هیچ فرقی نمی کند، شما آن را خواهید شنید. من همیشه با شما خواهم بود و همیشه به مثابه ی انسانی با وجدان در خاطر دای خواهم ماند. کسی که به شما وفادار ماند و به مکراسی اعتقاد داشت. مردم باید از خود دفاع کنند اما نه این که قربانی شوند. مردم نباید کمر خم کرده و در دم شکسته شوند، اما نباید اجازه دهند که تحقیر شوند. کارگران سر زمین پدرانم! من به شیلی و آینده اش ایمان دارم.

شیلیایی های دیگری به جای ما خواهند آمد و بر این لحظه ی تاریک و تلخ پیروز خواهند شد آن گاه که خیانت به آخر راه خود می رسد. آگاه باشید که دیر یا زود در آینده ای نه چندان دور جاده دا و گذرگاه دا دوباره گشوده خواهند شد و انسان های آزاد، جامعه ای نوین و بهتر خواهند ساخت. زنده باد شیلی، زنده باد مردم، زنده باد کارگران این آخرین خطابه ی من است. من یقین دارم که تلاش من بیهوده نبوده است. من ایمان دارم که در هر صورت این تصمیم اخلاقی ی من مجازات، سست اعتقادی، بزدلی و خیانت است.